

Presenting a Structural Model of Marital Commitment based on Sexual Function Mediating Role of Intimacy and Interpersonal Cognitive Distortions

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Aurhors

Behnaz Ghasemi Varniab ¹,
Mohammad Ali Rahmani ^{2*},
Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri ³,
Shahnam Abolghasemi ⁴

How to cite this article

Behnaz Ghasemi Varniab,
Mohammad Ali Rahmani,
Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri,
Shahnam Abolghasemi, Presenting
a Structural Model of Marital
Commitment based on Sexual
Function Mediating Role of
Intimacy and Interpersonal
Cognitive Distortions, *Journal of
Quran and Medicine*. 2021;6(1):68-
78.

1. PhD Student, Department of
General Psychology, Tonekabon
Branch, Islamic Azad University,
Tonekabon, Iran.

2. Assistant Professor, Department of
Counseling, Tonekabon Branch,
Islamic Azad University, Tonekabon,
Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of
Psychology, Tonekabon Branch,
Islamic Azad University, Tonekabon,
Iran.

4. Associate Professor, Department of
Psychology, Tonekabon Branch,
Islamic Azad University, Tonekabon,
Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Rahmanima20@gmail.com

Article History

Received: 2021/03/31

Accepted: 2021/06/17

ePublished: 2021/06/21

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study was to present a structural model of marital commitment based on sexual function mediated by intimacy and interpersonal cognitive distortions.

Materials and Methods: The research method is applied in terms of purpose, quantitative in terms of approach, cross-sectional in terms of data collection time and correlational in terms of research method. The statistical population of this study consisted of all married women who referred to Sarai Mahallat in Tehran in 2020, from which 300 people were selected by multi-stage cluster random sampling. In this study, the tools of marital commitment (Adams and Jones, 1997), sexual function (Rosen et al., 2000), marital intimacy (Brooke and Oman, 1998) and interpersonal cognitive distortions (Hammaci and Ozturk, 2004) were used. All had acceptable credibility and reliability. SPSS-V23 and Amos-V8.8 software were used to analyze the data. Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses.

Findings: Findings showed that the model has a good fit. The results also showed that the variable of sexual function has an indirect and significant effect on the variable of marital commitment ($p < 0.05$). Intimacy directly affects marital commitment ($p < 0.05$). Interpersonal cognitive distortions also directly affect marital commitment ($p < 0.05$).

Conclusion The results can be used to determine treatment priorities for couples as well as educational and treatment programs aimed at helping to strengthen the marital bond.

Keywords: Marital commitment, sexual function, intimacy, interpersonal cognitive distortions

ارائه مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس عملکرد جنسی با نقش میانجی صمیمیت و تحریف‌های

شناختی بین فردی

بهناز قاسمی ورنیاب^۱

دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی عمومی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

محمدعلی رحمانی^{۲*}

استادیار، گروه مشاوره، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران (نویسنده مسئول).

محمدرضا زربخش بحری^۳

دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

شهنام ابوالقاسمی^۴

دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف، ارائه مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس عملکرد جنسی با میانجی‌گری صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی انجام شد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر رویکرد کمی، و از نظر زمان گردآوری داده‌ها از نوع مقطعی و از نظر روش پژوهش همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به سرای محلات شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آنها، تعداد ۳۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، عملکرد جنسی (روزن و همکاران، ۲۰۰۰)، صمیمیت زوجین (بروک و اومن، ۱۹۹۸) و تحریف‌های شناختی بین فردی (حمامچی و اوزتورک، ۲۰۰۴) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V23 و Amos-V8.8 استفاده گردید. همچنین به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد که متغیر عملکرد جنسی بر متغیر تعهد زناشویی اثر غیرمستقیم و معنی‌داری دارد ($p < 0.05$) صمیمیت بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد ($p < 0.05$) تحریف‌های شناختی بین فردی نیز بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد ($p < 0.05$)

¹ - marital commitment

نتیجه‌گیری: از نتایج بدست آمده می‌توان به منظور تعیین اولویت‌های درمانی برای زوجین و همچنین تعیین برنامه‌های آموزشی و درمانی با هدف کمک به تحکیم پیوند زناشویی بهره برد.

واژگان کلیدی: تعهد زناشویی، عملکرد جنسی، صمیمیت، تحریف‌های شناختی بین فردی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

* نویسنده مسئول: Rahmanima20@gmail.com

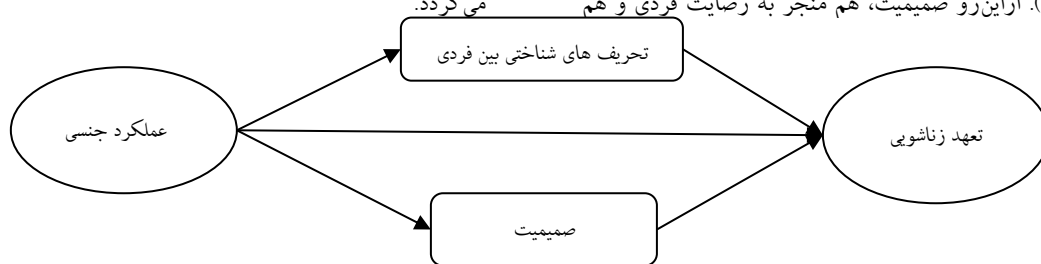
مقدمه

در میان تعاملات گوناگون تعهد مهم‌ترین جنبه کیفی یک رابطه است. هر فرد در طول زندگی خود متعهد به امور مختلفی می‌شود. یکی از ویژگی‌های موفق و طولانی‌مدت وجود تعهد زناشویی^۱ است (۱). تعهد در روابط زناشویی مفهوم ویژه‌ای دارد و تاکنون تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. قدیمی‌ترین تعریف متعلق به دین و اسپانیر است که تعهد زناشویی به‌عنوان تمایل پایدار زوجین برای حفظ و تداوم ازدواج تعریف شده است. در مدل سه وجهی عشق استرنبرگ سومین رأس مثلث، تعهد است که به تصمیم‌گیری زوجین در مورد اقامت کردن و در کنار همدیگر بودن اشاره دارد (۲). تعهد زناشویی را می‌توان احساس تداومی که در جاذبه و محدودیت‌ها پیدا می‌شود تعریف کرد (۳). تعهد ماهیت وابستگی فرد در رابطه را نشان می‌دهد؛ این که فرد در رابطه چقدر احساس امنیت می‌کند و تا چه حد احساس می‌کند که رابطه درازمدت ارزشمند است. جانسون، تعهد زناشویی را شامل سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری می‌داند (۴). تعهد شخصی، به معنای علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. این تعهد منعکس‌کننده تلقی‌های فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه‌اش و همین‌طور میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (۵). بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است که نشان‌دهنده میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره مسیر رفتار صحیح در رابطه، بر محوریت تعهد اخلاقی قرار دارد (۶). تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (۷،۸).

علاوه بر کیفیت ارتباط زناشویی، مبحث عملکرد جنسی نیز از جمله مسائل حیاتی در امر قوام و دوام ازدواج است. انسان‌ها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش، فرار از تنهایی و تمایلات جنسی تعدادی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می‌شوند (۹). توجه به تمایلات جنسی انسان امری واقع‌بینانه و نادیده‌انگاشتن آن اشتباه است، چرا که مانند سایر امیال غریزی انسان از آغاز تولد کودک وجود دارد و متناسب با رشد او متحول و شکوفا می‌شود (۱۰). نارضایتی از رابطه جنسی ممکن است به مشکلات عمیق در روابط زوج‌ها و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام‌گیری، احساس تحقیر، نداشتن اعتماد به نفس و نظایر

رضایت ارتباطی می‌شود و عاملی اصلی سلامت، سازگاری، شادکامی و احساس معنا در زندگی زناشویی به حساب می‌آید. افزون بر این‌ها، به نظر می‌رسد صمیمیت، منجر به بهبود تعهد در روابط می‌شود و سازگاری ارتباطی را افزایش می‌دهد (۱۸). می‌توان چنین فرض کرد که روابط بین فردی نزدیک، به افراد اجازه می‌دهد که نیازهای خود را به پذیرفته شدن، مورد توجه بودن، ارزشمند تلقی شدن و دوست داشته شدن را برآورده کنند و به آن‌ها فرصت می‌دهد که چنین نگرش‌ها و رفتارهایی را متقابلاً انجام دهند (۱۹). پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهند که شکست در برقراری ارتباط، یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که زوجین با روابط آشفته، تجربه می‌کنند (۲۰، ۲۱، ۲۲). بنابراین صمیمیت، اغلب منجر به بروز تعارض‌های حل‌نشده دوران کودکی می‌شود و چالش‌های ارتباطی جدیدی را به وجود می‌آورد. نیروهای ایجادکننده علاقه و پیوند، که در صمیمیت نهفته‌اند، همیشه زوج‌ها را به ابزارهایی تجهیز می‌کند که بتوانند اختلاف‌ها و تعارض‌هایی را که همواره ممکن است بروز کند، حل کنند (۲۳).

با توجه به پژوهش‌های مطرح شده سلامت خانواده در گرو سلامت جامعه است و همین‌طور با در نظر گرفتن نقش اساسی زوجین در انسجام و شکل‌گیری شخصیت افراد خانواده، و نیز رابطه عملکرد جنسی، صمیمیت، و تحریف‌های بین شخصی با تعهد زناشویی زوجین نیاز به انجام مطالعات وسیع‌تر در حوزه بهبود عملکرد خانواده وجود دارد. زوجین زمانی می‌توانند نقش خود را کامل‌تر انجام دهند که رضایتمندی زناشویی و سلامت روان بیشتری دارند. بنابراین مهم است که با در نظر گرفتن اهمیت رابطه جنسی در زندگی زوج‌ها و رابطه صمیمیت، و تحریف‌های شناختی بین فردی با تعهد زناشویی در زوجین توجه شود، تا از این طریق بتوان گامی مهم در راستای بهبود رضایت زناشویی زنان و در نتیجه بهبود عملکرد خانواده برداشت. بنابراین آنچه امروز برای تحکیم خانواده‌ها لازم است و عامل مؤثر در جلوگیری از طلاق و از هم پاشیدن نهاد خانواده است، متغیر تعهد زناشویی می‌باشد. و آگاهی در این مورد می‌تواند آینده سالم و روشنی را برای جوانان ما رقم بزند و با در نظر گرفتن خلاء پژوهشی در این زمینه، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که، مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس عملکرد جنسی با میانجی‌گری صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی در زنان متأهل از برازش مطلوبی برخوردار است؟ در نهایت با توجه به فرضیه فوق مدل مفهومی به شکل زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

آنها منجر شود. این مسائل با تنش‌ها و اختلافات تقویت شده یا در قالب آنها تجلی و بروز می‌یابد و شکاف بین همسران را عمیق‌تر می‌سازد. تعارضات و مشکلات جنسی، همواره جزء چند علت اول طلاق و تعارضات زناشویی هستند. در کشور ما نیز هر ساله آمارهای متعددی درباره علل مشکلات زناشویی و طلاق مطرح می‌شود که در این بین نقش مشکلات و عوامل جنسی بسیار بارز است (۱۱). در پژوهش بوالهروی، رمضان زاده، عابدی نیا، تقی زاده، پهلوانی و صابری (۱۲)، ۸۸ درصد نمونه پژوهشی که درخواست طلاق داده بودند، یکی از علل درخواست طلاق خود را مسائل جنسی برشمردند. پژوهش‌های زیادی تایید می‌کند که رابطه بسیار قوی بین عملکرد جنسی و رضایت زناشویی وجود دارد (۱۳).

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با تعهد زناشویی، تحریف‌های شناختی زوجین است. شناخت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت یک زندگی است. نا آگاهی و آگاهی نادرست، انسان را در تحلیل آن چه پیرامونش اتفاق می‌افتد، دچار لغزش و اشتباه می‌کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افراد در جامعه تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند همه‌ی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد. (۱۴). همچنین برای داشتن یک زندگی مطلوب باید از تحریف اطلاعات جلوگیری کرد. گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن تحریف می‌شود. این نوع تحریف‌ها که خطاها و تحریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند (۱۵). در همین رابطه نتایج پژوهش شاکرمی، زهراکار و محسن زاده (۴)، نشان داد که متغیرهای سبک‌های حل تعارض (سازنده و غیرسازنده)، تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی همبستگی معنادار داشته و مدل مفروض با متغیرهای مستقل رضایت جنسی و تحریف‌های شناختی بین فردی در رابطه با تعهد زناشویی تایید گردید.

از طرفی راه حل مشکلات در روابط زناشویی، برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازهاست. صمیمیت، یکی از ویژگی‌های رابطه زوجین است؛ رابطه‌ای که با خودآشنایی واقعی و درک شخص دیگر در مشارکتی برابر تعریف می‌شود. پژوهش‌های زیادی نشان دادند که توانایی برقراری روابط صمیمانه با دیگران، یکی از عوامل کلیدی در سلامت و بهزیستی روانی افراد بزرگسال بشمار می‌رود (۱۶). بنابراین توانایی پروراندن صمیمیت عاملی بین شخصی است که اهمیت آن اغلب به خاطر نقش اساسی‌اش در رشد روابط نزدیک و رابطه‌اش با رضایت زناشویی برجسته می‌شود (۱۷). ازاین‌رو صمیمیت، هم منجر به رضایت فردی و هم

مواد و روش ها

روش پژوهش حاضر، به لحاظ روش گردآوری داده‌ها مقطعی از نوع همبستگی است. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا الگویابی از طریق معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان متاهل مراجعه کننده به سرای محلات شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. درباره حجم نمونه در پژوهشهای مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عامل از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا می باشد. بومسما حجم حدود ۲۰۰ نفر برای برآورد مدلی کافی دانسته است. براساس اندازه اثر مورد انتظار و توزیع متغیرهای اندازه گیری شده و همچنین به لحاظ توان آزمون، به ازای هر پارامتر برآورد شده حداقل ۱۰ آزمودنی ممکن است کافی باشد، به شرط اینکه اندازه برآورد اثر بزرگ باشد و متغیرهای اندازه گیری شده دارای توزیع نرمال باشند. بنابراین حداقل نمونه پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تعداد پارامترهای برآورد شده در مدل حداقل ۳۰۰ نفر از زنان متاهل بود، که با در نظر گرفتن ریزش های احتمالی ۳۲۰ زن متاهل به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. بدین صورت که از میان سرای محلات در شهر تهران ابتدا مناطق ۴ و ۲ انتخاب و سپس از هر منطقه، دو سرای محله به تصادف انتخاب شد و در نهایت پرسشنامه‌ها در میان مراجعه کنندگان زن متاهل آن ها توزیع شد. لازم به ذکر است توضیحات لازم در مورد آگاهی از اهداف مطالعه، مشارکت داوطلبانه، رعایت حریم خصوصی، حفظ اسرار، عدم ثبت مشخصات شناسایی، حق انصراف از ادامه در همه مراحل جمع آوری داده‌ها در مطالعه ارائه و رضایت آن‌ها برای شرکت در مطالعه و تایید کمیته اخلاق و درجه کد کمیته اخلاق، نیز اخذ شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این آزمون ۴۴ سوالی توسط آدامز و جونز برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند؛ این ابعاد عبارتند از: تعهد به همسر (سوالات ۱۰-۱)، تعهد به ازدواج (سوالات ۲۲-۱۱) و احساس تعهد (سوالات ۴۴-۲۳). هر سوال آزمون دارای یک مقیاس ۵ درجه ای: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است، که به هر گزینه نمره ای بین ۱ تا ۵ تعلق می گیرد. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ و به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می شود. دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می دهد (۲۴). مولید، آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را روی ۴۱۷

نفر متاهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به طور کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هر یک از مقیاسهای این آزمون را بر روی نمونه مذکور به شرح زیر بدست آوردند: تعهد به همسر، ۰/۹۱؛ تعهد به ازدواج، ۰/۸۶؛ احساس تعهد، ۰/۸۹ (۲۴). در مطالعه ای مقدماتی توسط عباسی (۱۳۸۸) روایی محتوایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه عملکرد جنسی: ابزاری است ۱۹ ماده ای که توسط روزن، براون، هایمن، لیبوم، مستون، شبسای، فرگوسن و داگستینو^۱ (۲۰۰۰) (۲۰۰۰) برای اندازه گیری عملکرد جنسی زنان ساخته شده است. این م قیاس عملکرد جنسی زنان را در شش حوزه از جمله میل جنسی، تهییج جنسی، رطوبت مهبل، اوج لذت جنسی، رضایتمندی و درد جنسی را می سنجد. نمره بیشتر در این شاخص نشانگر عملکرد بهتر جنسی است. روزن و همکاران پایایی آزمون را به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای نمره کل آزمون و خرده مقیاس های آن ۰/۸۹ و بالاتر گزارش کردند. محمدی، حیدری و فقیه زاده (۱۳۸۷) پایایی آزمون را به روش همسانی برای نمره کل آزمون و خرده مقیاس های آن ۰/۷۰ و بالاتر گزارش کردند. آنها هم چنین گزارش کردند که این آزمون از روایی افتراقی مناسبی برخوردار است. در پژوهش حاضر پایایی آزمون به روش همسانی درونی ۰/۸۲ بود.

پرسشنامه صمیمیت زوجین: پرسشنامه صمیمیت زوجین توسط بروک و اومن^۲ (۱۹۹۸) تهیه شده و دارای ۵۶ سوال است. این پرسشنامه شامل پنج خرده مقیاس مشکلات مربوط به میزان صمیمیت، میزان توافق زوجین، صادق بودن، علاقه و محبت و پایبندی به تعهدات است که پاسخ به هر یک از ماده‌ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه ۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد رتبه بندی شده است. همچنین برخی از ماده‌های این پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. بروک و اومن (۱۹۹۸) ضریب پایایی کل پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش کردند. این پرسشنامه را در ایران عرفانی اکبری (۱۳۷۸) اعتباریابی کرده است. در این پژوهش نیز ضریب پایایی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل نمونه ۰/۹۴ به دست آمد. چند نفر از استادان رشته مشاوره و روانشناسی روایی صوری این پرسشنامه را تایید کردند. همچنین در این پژوهش برای بررسی روایی همزمان آن از مقیاس صمیمیت ۱۷ ماده ای واکر و تامسون (۱۹۸۳) استفاده شد که ۰/۷۱ به دست آمد. این یافته نشان می دهد که هر دو ابزار تا حدودی یک سازه واحد را اندازه گیری می کنند.

پرسشنامه تحریف شناختی بین فردی: این پرسشنامه توسط حمامچی و اوزتورک (۲۰۰۴) ساخته شد و شامل ۱۹ سؤال و سه خرده مقیاس طرد در روابط بین فردی، انتظارات غیرواقعی بینانه در روابط و سوء ادراک در روابط بین فردی می باشد. پایایی این پرسشنامه از

² - Broucke & Ommen

¹ - Rosen, Brown, Heiman, Leiblum, Meston, Shabsigh, Ferguson & D'Agostino

همکاران، ۱۹۹۳) همبستگی معنی داری وجود داشت. پایداری این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی محاسبه گردید. آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس انتظارات طرد در روابط بین فردی (۰/۷۹)، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط (۰/۸۲) و سوء ادراک در روابط بین فردی (۰/۸۱) به دست آمد. پایداری از طریق دو نیمه سازی نیز به ترتیب فوق برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۷۰ به دست آمد. آلفای کرونباخ کل این پرسشنامه نیز برابر با ۰/۸۵ به دست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار **Spss-V23** و **Amos-V7.80** انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته ها

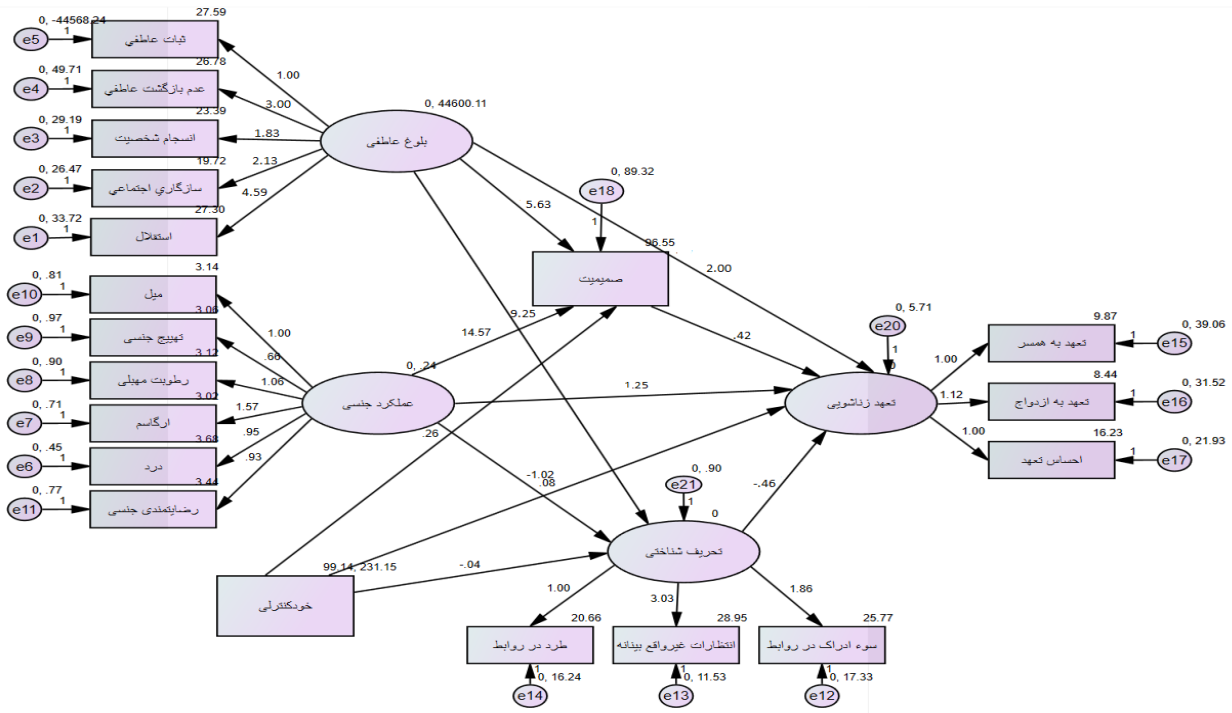
یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

طریق همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب (۰/۶۷ و ۰/۷۴) و برای خرده مقیاس های طرد در روابط بین فردی (۰/۷۳ و ۰/۷۰)، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط (۰/۶۶ و ۰/۷۶) و سوء ادراک در روابط بین فردی (۰/۴۳ و ۰/۷۴) به دست آمده است (حمام چی و اوزتورک، ۲۰۰۴). روایی این پرسشنامه از طریق همبستگی با مقیاس باورهای غیر منطقی، مقیاس افکار خودکار و مقیاس گرایش به تعارض در روابط بین فردی به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۵۳ و ۰/۵۳ به دست آمده که همگی معنادار بوده اند (حمام چی و اوزتورک، ۲۰۰۴). در ایران و در پژوهش این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. روایی سازه پرسشنامه وجود سه عامل طرد در روابط بین فردی، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط و سوء ادراک در روابط بین فردی را مورد تأیید قرارداد. همچنین روایی همزمان نشان داد بین این پرسشنامه و پرسشنامه مقیاس صفات شخصیت مرزی (محمدزاده و همکاران، ۲۰۰۵) رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین این پرسشنامه و پرسشنامه سبک های دفاعی (اندرز و

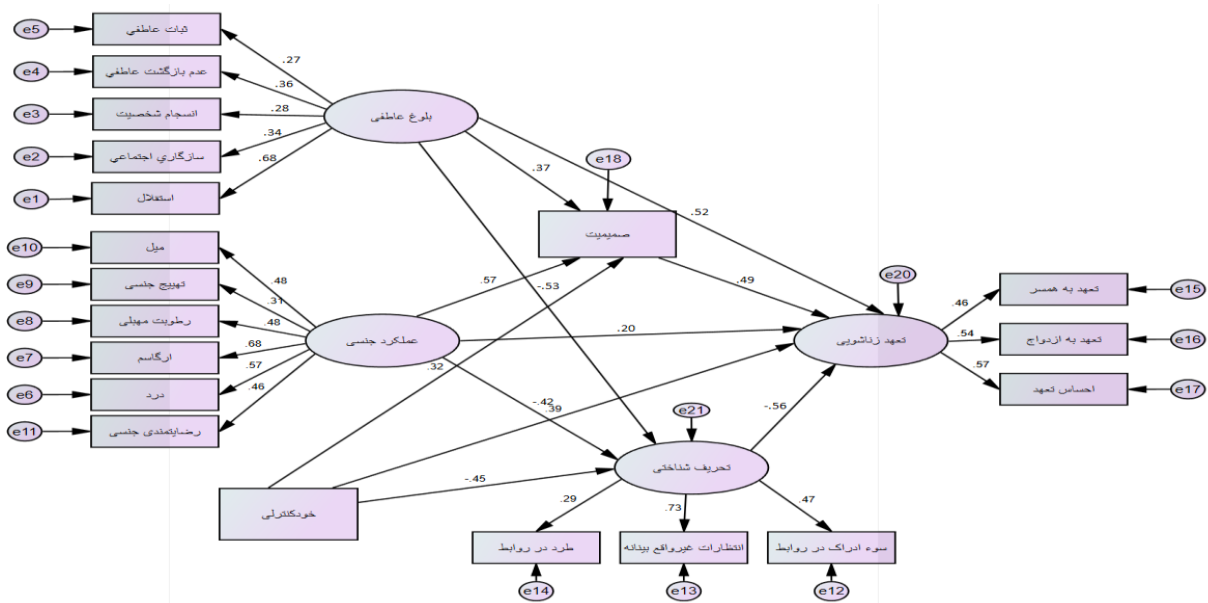
جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده مقیاس‌های پژوهش

شاخص آماری مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
میل	۳.۱۴	۱.۰۳	-۰.۵۷	-۰.۹۵
تهییج جنسی	۳.۰۶	۱.۰۴	-۰.۵۱	-۱.۰۳
رطوبت مهلبی	۳.۱۲	۱.۰۸	-۰.۶۸	-۰.۹۳
ارگاسم	۳.۰۲	۱.۱۴	-۰.۵۴	-۱.۲۰
درد	۳.۶۸	۰.۸۲	-۱.۸۶	۲.۹۶
رضایتمندی جنسی	۳.۴۴	۰.۹۹	-۰.۹۹	-۰.۰۲
طرد در روابط بین فردی	۱۷.۱۶	۴.۲۳	-۰.۳۸	-۰.۱۴
انتظارات غیرواقع بینانه	۱۸.۳۳	۵.۱۳	۰.۱۹	-۰.۶۵
سوء ادراک در روابط بین فردی	۱۹.۲۷	۴.۷۹	۰.۱۴	-۰.۴۷
صمیمیت	۱۲۲.۳۵	۱۳.۳۱	۰.۳۶	۰.۱۶
تعهد به همسر	۲۹.۴۰	۷.۱۵	۰.۰۸	-۰.۰۹
تعهد به ازدواج	۳۰.۱۳	۶.۸۱	۰.۸۲	-۰.۲۹
احساس تعهد	۳۵.۶۷	۵.۸۱	-۰.۱۲	-۰.۶۱

نتایج جدول ۱ نشان می دهد از بین ابعاد تحریف‌های شناختی بین فردی بیشترین میانگین مربوط به سوء ادراک در روابط بین فردی است. نتایج مربوط به اجرای مدل در حالت استاندارد شده و استاندارد نشده به همراه برخی از مهمترین شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل اولیه در شکل و جدول زیر ارائه شده است.



شکل ۲. مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده



شکل ۳. مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

جدول ۲. شاخص های برازش مدل

نام شاخص	شاخص های برازش	مقدار	حد مجاز
χ^2		۲۰۱۲	کمتر از ۳
۱) RMSEA		۰۰۶	کمتر از ۰/۱
۲) CFI	برازندگی تعدیل یافته	۰۰۹۶	بالاتر از ۰/۹
۳) NFI	برازندگی نرم شده	۰۰۹۵	بالاتر از ۰/۹
۴) GFI	نیکویی برازش	۰۰۹۶	بالاتر از ۰/۹
۵) AGFI	نیکویی برازش اصلاح شده	۰۰۹۴	بالاتر از ۰/۹

آمده برای این شاخص ها نشان می دهد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است.

به طور کلی در کار با برنامه AMUS هر یک از شاخص های بدست آمده به تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقدارهای بدست

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثر غیر مستقیم عملکرد جنسی بر تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معناداری	sig
تعهد زناشویی	عملکرد جنسی	غیر مستقیم (صمیمیت)	۰۱۱۶	۰۲۸	۵۰۲۹	۰۰۰۰۱
تعهد زناشویی	عملکرد جنسی	غیر مستقیم (تحریف های شناختی بین فردی)	۰۰۴۷	۰۲۲	۳۰۷۳	۰۰۰۰۱

متاهل به واسطه ی صمیمیت و تحریف های شناختی بین فردی با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است ($p > ۰/۰۵$).

آنچه از نتایج جدول ۳ برمی آید این است که فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر غیر مستقیم عملکرد جنسی بر تعهد زناشویی زنان

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثر مستقیم صمیمیت و تحریف های شناختی بین فردی بر تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معناداری	sig
تعهد زناشویی	صمیمیت	مستقیم	۰۰۴۲	۰۰۴۹	۶۰۸۷	۰۰۰۰۱
تعهد زناشویی	تحریف های شناختی بین فردی	مستقیم	-۰۴۶	-۰۵۶	-۷۰۷۳	۰۰۰۰۱

است. آنچه از نتایج جدول ۴ برمی آید این است که عوامل تحریف های شناختی بین فردی اثر مستقیم بر تعهد زناشویی داشته است، رابطه تحریف های شناختی بین فردی با تعهد زناشویی به صورت مستقیم برابر ($t = -۷/۷۳$ و $\beta = -۰/۵۶$) است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم تحریف های شناختی بین

آنچه از نتایج جدول ۴ برمی آید این است که عوامل صمیمیت، اثر مستقیم بر تعهد زناشویی داشته است، رابطه صمیمیت با تعهد زناشویی به صورت مستقیم برابر ($t = ۶/۸۷$ و $\beta = ۰/۴۹$) است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم صمیمیت بر تعهد زناشویی زنان متاهل با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده

- 1 Root Mean Square Error Approximation
- 2 Comparative Fit Index
- 3 Normed Fit Index
- 4 Goodness of Fit Index
- 5 Goodness of Fit Index

فردی برتعهد زناشویی زنان متاهل با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس عملکرد جنسی با نقش میانجی صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی انجام شد. نتایج آزمون آماری نشان داد متغیر عملکرد جنسی بر تعهد زناشویی، از طریق صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی اثر می‌گذارد. همسو با این یافته تقی یار (۲۵) در پژوهشی نشان داد رضایت جنسی و سبک‌های عشق واقع‌گرایانه، فداکارانه و روماتیک به طور مثبت و معناداری صمیمیت زناشویی را تبیین می‌نماید. امان و همکاران در پژوهشی نشان دادند بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که عملکرد جنسی و کیفیت ارتباط زوج‌ها به طور مستقل و یا با یکدیگر در پیش‌بینی تعهد زناشویی نقش ایفا می‌کنند. همچنین مشکلات رابطه ای و کیفیت رابطه زوجین فراوان‌ترین علل بدکاری‌های جنسی برآورد شده و متقابلاً مشکلات جنسی نیز می‌تواند به معضلات رابطه ای جدید دامن بزند. با این وجود کیفیت رابطه زوجین، مولفه ای بسیار اثرگذار بر عملکرد جنسی است و مشکلات جنسی می‌توانند نشانه ای از مشکلات روابط زوجین باشند. زیرا سرمنشأ بسیاری از مشکلات همسران، نداشتن مهارت واقعی در ایجاد و تداوم ارتباط موثر است. در صورتی که رابطه زن و شوهر لذت بخش باشد، رضایت از رابطه جنسی، عشق و وفاداری نسبت به همسر، بیشتر خواهد شد. افرادی که رضایت بالایی از رابطه جنسی با همسر دارند، عشق و علاقه زیادی نسبت به همسر گزارش می‌دهند و یکی از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار بر عملکرد جنسی این است که افراد طریقه درست گفتگو درباره تمایلات و نیازهای جنسی را بیاموزند تا یاد بگیرند علایق یکدیگر را شناسایی کنند. از سویی با توجه به چرخه پاسخ جنسی و پیشینه مطرح شده در مورد رضایت جنسی، که رسیدن به اوج لذت جنسی و احساس رضایت از رابطه جنسی یکی از اهداف اصلی از برقراری رابطه جنسی می‌باشد، و از سوی دیگر بر اساس تعریف ارائه شده برای این مولفه مبنی بر تجربه اوج لذت جنسی و رسیدن به آنچه مورد انتظار و رضایت فرد از رابطه جنسی است، در صورتی که فرد، سطح بالایی از این مولفه را در رابطه خود با همسرش گزارش کند، می‌توان وجود تعهد شخصی، که همان علاقه و تمایل برای تداوم رابطه زناشویی مبتنی بر جاذبه و رضایتمندی زناشویی است را پیش‌بینی کرد. به طور کلی با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که مهارت‌های ارتباطی شامل برقراری رابطه مناسب با همسر، درک متقابل، آشکارسازی و تبادل احساسات و افکار، به عنوان واسطه ای برای ایجاد تفاهم و نزدیکی عاطفی و به دنبال آن، نزدیکی جنسی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر استفاده از لحن کلام مناسب، گوش دادن همراه با توجه، استفاده از واکنش‌های کلامی و رفتاری متناسب با موقعیت در مقابل همسر و بیان احساسات و افکار و حس قدرشناسی به همسر، منجر به بروز صمیمیت و نزدیکی عاطفی شده و زمینه مناسب را برای بیان

نیازها و خواسته‌ها، به خصوص نیازهای جنسی و رضاء کامل آنها فراهم کرده و حس علاقه نسبت به همسر، پایبندی به زندگی زناشویی و تلاش برای حفظ آن را افزایش می‌دهد.

نتایج آزمون آماری نشان داد صمیمیت برتعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد. همسو با این یافته زارع گاریزی، ابراهیمی مقدم و ابوالمعالی الحسینی (۲۶) در پژوهشی نشان دادند که بین صمیمیت و تعهد زناشویی ضریب مسیر مثبت معنادار است. علی زاده (۲۷) در پژوهشی نشان داد که تمام نیازهای صمیمیت با تعهد زناشویی ارتباط مستقیم و معنادار دارند. و نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام حاکی از آن بود که نیاز به صمیمیت عاطفی و نیاز به صمیمیت زیباشناختی، قدرت پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. در تبیین این یافته پژوهش، می‌توان گفت صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت بسیار ضروری است. مفهوم بردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد؛ به عبارت دیگر زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند. صمیمیت شامل مراقبت و محافظت از علاقت فردی و همسر و در صورت لزوم قربانی ساختن منافع و مصلحت‌های خود است. صمیمیت تنها به رابطه جنسی محدود نمی‌شود بلکه به معنای احساس توجه و تعهد نیز هست که آزادانه و بدون استفاده از هیچ گونه وسایل خودحمایتی، بدون ترس از دست دادن هویت خود در رابطه مورد نظر ظاهر می‌شود. میل به صمیمیت نه فقط جنبه جسمی بلکه جنبه روانی نیز دارد. این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاص به خلوت و تنهایی در نظر زوج‌ها جلوه گرمی‌شود. کیفیت ارضای جنسی و عاشقانه در افراد سالم با گذشت زمان تکامل می‌یابد و بیشتر به آشنایی و صمیمیت نزدیک می‌گردد. توانایی ایجاد رابطه صمیمی مستلزم مصاحبه و گذشت است. حتی رابطه جنسی سالم در زناشویی زمانی امکان پذیر است که فرد به هویت مطلوب دست یافته باشد. به نظر ریکسون حل بحران صمیمیت در برابر کناره‌گیری به توانایی عشق ورزیدن می‌انجامد که از نظر انواعی از خودگذشتگی متقابل بین کسانی است که شریک زندگی یکدیگرند. به اعتقاد ریکسون رابطه‌ای که بین زوجینی که به هویت مستقل دست نیافته اند برقرار می‌شود ممکن است آسیب روانی به دنبال داشته باشد. دوستی و رفتار دوستانه با همسر از جمله عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی

امور روزمره و ارتباطات او با همسرش می‌گردد، و اگر مداخله مناسبی برای درمان صورت نگیرد به انزوای کامل فرد و ابتلا به افسردگی منجر می‌شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مشاوران خانواده و ازدواج می‌توانند از طریق افزایش رضایت جنسی و صمیمیت بین همسران و درمان مشکلات مربوط به صمیمیت، عملکرد جنسی و تحریف‌های شناختی، تعهد زناشویی را میان آنها بهبود بخشند. نمونه پژوهش حاضر به جمعیت زنان متأهل مراجعه کننده به سرای محلات شهر تهران اختصاص داشت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابهی در گروه‌های زوجی صورت گیرد و از ابزارهای اندازه‌گیری دیگر مانند مصاحبه استفاده گردد تا بر اعتبار نتایج افزوده شود. بنابراین با توجه به اهمیت تعهد زناشویی و همچنین تأثیرات مهارت‌های زناشویی و عملکرد جنسی بر تعهد زناشویی، نیاز است که آموزش بیشتری در زمینه شیوه‌های برقراری ارتباط موثر با همسر و ایفای نقش در رابطه زناشویی برای افراد متأهل در نظر گرفته شود و همچنین برنامه‌ریزی‌هایی برای ایجاد آموزش‌ها و مداخلاتی در راستای افزایش حمایت عاطفی زوجین از یکدیگر صورت گیرد. همچنین ضروری است که مسئولان زیربند اقدامات جدی‌تری در راستای آموزش مهارت‌های ارتباطی مربوط به زندگی زناشویی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند تا از بروز صدمات روانشناختی آتی جلوگیری شود.

References

1. Bilal, A., Muhammad, K., & Riaz, S. (2021). Marital commitment and marital satisfaction in patients of chronic diseases: Mediating role of sexual satisfaction. *Rawal Medical Journal*, 46(1), 189-193.
2. Amani, Ahmad (1394). The effectiveness of group reality therapy on self-esteem and marital commitment of couples. *Family Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 5 (2), 23-1.
3. Lafortune, J., & Low, C. (2018). Betting the House: The Role of Homeownership in Marital Commitment and Child Investments.
4. Shakermi, Mohammad; Zaharakar, Kianoosh and Mohsenzadeh, Kianoosh. (1393). Investigating the mediating role of conflict resolution styles in the relationship between interpersonal cognitive distortions and sexual satisfaction with marital commitment. *Journal of Research in Mental Health*, 8 (2), 60-51.

زناشویی است. به نظر می‌رسد که این خصوصیت اغلب ازدواج‌ها، نباشد و کیفیت بسیاری از آنها تا حد نامناسبی تنزل می‌کند. صمیمیت حالتی است که بین زن و شوهر برده و حجابی نباشد، آنچه در دل دارند بگویند و یا ورغم‌خور یکدیگر باشند و در این زمینه از صمیم قلب عمل کنند. صمیمیت آینه‌ای است که آنچه در ذهن است در آن منعکس می‌شود.

نتایج آزمون آماری نشان داد تحریف‌های شناختی بین فردی بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد.

همسو با این یافته‌های جهرمی (۲۸) نشان داد همبستگی بین تحریف‌های شناختی با همه‌ی مولفه‌های دلزدگی زناشویی مثبت می‌باشد. این یافته پژوهش را باید با توجه به اهمیت تحریف‌های شناختی در روابط بین فردی برای زندگی زناشویی و همچنین تأثیرات آن بر وضعیت روانشناختی زن و شوهر تبیین کرد. تحریف‌های شناختی در روابط بین فردی به انحاء مختلف بر وضعیت روانشناختی زوجین تأثیر می‌گذارد، به عنوان مثال می‌توان به ایجاد روابط صمیمی، حمایت عاطفی و مالی زوجین از یکدیگر، پر کردن اوقات فراغت، برقراری روابط اجتماعی با خانواده گسترده و فراهم کردن راه حل در زمان‌های مواجهه با مسائل، اشاره کرد. اگر روابط بین فردی که فرد تجربه می‌کند، به صورت سازنده باشد، موارد فوق‌الذکر به نحو احسن انجام می‌شود و همسر به منبعی بسیار قوی برای دریافت حمایت‌های گوناگون تبدیل می‌شود. در مقابل، زمانی که تحریف‌های شناختی بوجود می‌آید، وضعیت روانشناختی هریک از زوجین تحت تأثیر قرار می‌گیرد، زیرا این نقائص بر نحوه رضای نیازهای عاطفی، اجتماعی و مادی زوجین تأثیر می‌گذارد. متعاقباً رضای نامناسب نیازهای عاطفی، اجتماعی و مادی در هر یک از زوجین، زمینه بروز مشکلاتی را در تعهد زناشویی آنها فراهم می‌کند. تجارب فشارزایی که افرادی که تحریف‌های شناختی در روابطشان دارند، با آنها مواجه‌اند، از قبیل رابطه نا آرام زن-شوهر، عدم دریافت حمایت عاطفی، سلطه‌جویی طرفین، مشکلات مربوط به وظایف، و کاهش ارتباطات اجتماعی زمینه ساز بروز مشکلاتی در کیفیت زندگی زناشویی این افراد می‌گردد و عدم توانایی حل کردن این مشکلات و مدیریت فشارهای وارده، عدم رضایت از زندگی زناشویی و متعاقباً افت تعهد زناشویی را به وجود می‌آورد. برادبوری و همکاران به گزارش مطالعاتی پرداخته‌اند که پیشنهادگر یک الگوی چرخه‌ای از تقاضاهای بسیار از یک همسر و احتراز بسیار از جانب دیگری می‌باشد که در نهایت به کاهش کیفیت زندگی زناشویی می‌انجامد. شکست در برقراری ارتباط، یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می‌شود. ده رفتار که مانع از ارتباط همسران می‌شود، به شرح زیر است: نق زدن، حرف هم‌دیگر را قطع کردن، فاجعه آمیز کردن مسایل، بگومگو کردن در مورد چیزهای کم اهمیت، تعمیم بیش از اندازه، منحرف شدن از موضوع اصلی، پرتوقع بودن، توهین کردن، ریشخند زدن و انتقاد گزنده. تحقیقات نشان داده است که عدم وجود یک رابطه عاطفی مناسب از سوی شریک زندگی، بیشترین تأثیر را بر بزرگسالان می‌گذارد و زمینه‌ساز بروز نشانگان آسیب‌شناسی روانی در آنها می‌گردد. این نشانه‌ها، ابتدا باعث بروز مشکلاتی در

- Mohammad; Pahlavani, Hajar and Saberi, Seyed Mehdi. (1391). Investigation of some causes leading to divorce in couples seeking divorce in Tehran courts. *Iranian Journal of Epidemiology*, 8 (1), 93-83.
13. Klapilová, K., Brody, S., Krejčová, L., Husárová, B., & Binter, J. (2015). Sexual satisfaction, sexual compatibility, and relationship adjustment in couples: the role of sexual behaviors, orgasm, and men's discernment of women's intercourse orgasm. *The journal of sexual medicine*, 12(3), 667-675.
14. Miller, A. B., & Esposito-Smythers, C. (2013). How do cognitive distortions and substance-related problems affect the relationship between child maltreatment and adolescent suicidal ideation? *Psychology of Violence*, 3(4), 340-353.
15. Ciccarelli, M., Griffiths, M.D., Nigrp, G., & Cosenza. (2017). Decision making, cognitive distortions and emotional distress: A comparison between pathological gamblers and healthy controls. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 54, 204-210.
16. Siboni, L., Rucco, D., Prunas, A., & Anzani, A. (2021). "We Faced Every Change Together". Couple's Intimacy and Sexuality Experiences from the Perspectives of Transgender and Non-Binary Individuals' Partners. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 1-24.
17. Sandberg, L. J. (2020). Too late for love? Sexuality and intimacy in heterosexual couples living with an Alzheimer's disease diagnosis. *Sexual and Relationship Therapy*, 1-22.
18. Bossio, J. A., Higano, C. S., & Brotto, L. A. (2021). Preliminary Development of a Mindfulness-Based Group Therapy to Expand Couples' Sexual Intimacy after Prostate Cancer: A Mixed Methods Approach. *Sexual Medicine*, 9(2), 100310.
5. Ahmadloo, B., & Chinaveh, M. (2018). Evaluation of marital commitment and sense of loneliness and conflict resolution styles competing in the women referred to counseling centers. *Indian Journal of Positive Psychology*, 9(4), 448-450.
6. Latifa, R., Salsabila, S., & Yulianto, H. (2021). Understanding the Relationship between Religiosity and Marital Commitment to Marital Stability: An Investigation on Indonesian Female Journalists. *Religions*, 12(4), 242.
7. Aman, J., Abbas, J., Lela, U., & Guoping, S. H. I. (2021). Religious support, daily spirituals and private religious factors promote marital commitment among married couples: A structural equation modeling approach. *Frontiers in Psychology*, 12, 2687.
8. Aman, J., Abbas, J., Nurunnabi, M., & Bano, S. (2019). The Relationship of Religiosity and Marital Satisfaction: The Role of Religious Commitment and Practices on Marital Satisfaction Among Pakistani Respondents. *Behavioral Sciences*, 9(3), 30.
9. O'Sullivan, L. F., Byers, E. S., & Dawson, S. J. (2021). Individual and Relationship Predictors of Trajectories of Sexual Function across Adolescent and Young Adult Relationships. *The Journal of Sex Research*, 1-16.
10. Nguyen, D. D., Berlin, A., Matthew, A. G., Perlis, N., & Elterman, D. S. (2021). Sexual function and rehabilitation after radiation therapy for prostate cancer: a review. *International Journal of Impotence Research*, 33(4), 410-417.
11. Masoumi, Samira; Rezaian, Hamid and Hosseinian, Simin. (1396). Predicting sexual satisfaction based on couples' communication patterns. *Bi-Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 5 (1), 101-79.
12. Boalhari, Jafar; Ramezanzadeh, Fatemeh; Abedinia, Nasrin; Naghizadeh,

27. Alizadeh, Narges. (1396). Predicting marital commitment based on satisfying the needs of marital intimacy. Master Thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.
28. Hanaei Jahromi, Maryam and Moin, Laden. (1396). Correlation of cognitive distortions and marital expectations with marital boredom in married female nurses. National Conference on New Approaches to the Humanities in the 21st Century, Rasht.
19. Hawkins, L. G., Eggleston, D., & Brown, C. C. (2019). Utilizing a narrative therapy approach with couples who have experienced a traumatic brain injury to increase intimacy. *Contemporary family therapy*, 41(3), 304-315.
20. Bowen, C., Palmer, S., & Yeates, G. (2018). A relational approach to rehabilitation: Thinking about relationships after brain injury. Routledge.
21. Kennedy, S. C., & Gordon, K. (2017). Effects of integrated play therapy on relationship satisfaction and intimacy within couples counseling: A clinical case study. *The Family Journal*, 25(4), 313-321.
22. Sobral, M. P., Teixeira, C. P., & Costa, M. E. (2015). Who can give me satisfaction? partner matching in fear of intimacy and relationship satisfaction. *The Family Journal*, 23(3), 247-253.
23. Shrier, L. A., & Blood, E. A. (2016). Momentary desire for sexual intercourse and momentary emotional intimacy associated with perceived relationship quality and physical intimacy in heterosexual emerging adult couples. *The Journal of Sex Research*, 53(8), 968-978.
24. Abbasi, Hussein (1388). The effect of group reality therapy training on marital commitment of couples in Khomeini Shahr. Master Thesis in Family Counseling, University of Isfahan.
25. Taghi Yar, Zahra. (1393). Investigating the relationship between marital commitment, sexual satisfaction and lovemaking styles with marital intimacy of Isfahan couples. Master Thesis, Hormozgan University.
26. Zare Garizi, Masoumeh; Ebrahimi Moghadam, Hussein and Abul Ma'ali Al-Husseini, Khadijeh. (1399). Predicting marital commitment based on basic psychological needs and intimacy through self-differentiation. *Journal of Applied Psychology*, 14 (1), 76-55.